

بررسی راهکارهای کاهش اضطراب امتحان

در دانش‌آموزان دوره ابتدایی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۲/۱۲)

مهناز حیدری

افسانه خدري

مژگان فلاحي

چکیده

اضطراب، بی‌انگیزگی و عدم مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان از چالش‌های مهم مدارس ابتدایی است که می‌تواند اثربخشی یادگیری و سلامت روانی آنان را کاهش دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش یادگیری مشارکتی در تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم مدارس استان کرمانشاه بود که نمونه‌ای متشکل از ۸۰ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری هدفمند و خوشه‌ای انتخاب گردید. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه مسئولیت‌پذیری، چک‌لیست مشاهده فعالیت‌های گروهی و مصاحبه با معلمان گردآوری شد.

برای تحلیل داده‌های کمی، از آمار توصیفی، آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون ساده استفاده شد و داده‌های کیفی با روش تحلیل محتوا (Content Analysis) بررسی گردید. یافته‌ها نشان داد که یادگیری مشارکتی با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان همبستگی مثبت و معناداری دارد ($r = 0.63, p < 0.01$) و فعالیت‌های گروهی قادرند ۳۹ درصد تغییرات مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را پیش‌بینی کنند. همچنین مشاهدات کلاس و

مصاحبه ها نشان داد که دانش آموزانی که در فعالیت های مشارکتی مشارکت فعال دارند، وظایف گروهی و فردی خود را دقیق تر انجام می دهند، مقررات کلاس را رعایت می کنند و رفتار مسئولانه از خود نشان می دهند.

نتایج پژوهش حاکی از آن است که ادغام یادگیری مشارکتی در فرآیند تدریس ابتدایی، موجب تقویت مسئولیت پذیری، خودنظمی و مهارت های اجتماعی دانش آموزان می شود و می تواند به عنوان یک راهکار عملی و علمی برای ارتقای کیفیت یاددهی-یادگیری و پرورش مهارت های اخلاقی- تربیتی دانش آموزان مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش می تواند به معلمان، مدیران مدارس و برنامه ریزان آموزشی در طراحی فعالیت های گروهی هدفمند و محیط یادگیری حمایتی کمک کند.

کلمات کلیدی: یادگیری مشارکتی، مسئولیت پذیری، دانش آموزان ابتدایی، فعالیت گروهی، آموزش فعال

مقدمه

دوران ابتدایی یکی از حساس ترین مراحل رشد تحصیلی و روانی دانش آموزان است، زیرا در این دوره، مهارت های پایه یادگیری، رفتارهای تحصیلی و شخصیت آموزشی شکل می گیرد. در این راستا، آزمون ها و امتحانات نقش مهمی در ارزیابی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارند، اما همزمان می توانند موجب اضطراب و استرس امتحان شوند. اضطراب امتحان به عنوان یک واکنش روانی- فیزیولوژیکی نسبت به امتحان یا سنجش عملکرد تحصیلی تعریف می شود و می تواند تمرکز، حافظه و عملکرد تحصیلی دانش آموزان را کاهش دهد (احمدی، ۱۳۹۸).

تحقیقات نشان می‌دهند که اضطراب امتحان در دانش‌آموزان دوره ابتدایی شایع است و می‌تواند به رفتارهای اجتنابی، کاهش انگیزه یادگیری و افت تحصیلی منجر شود. دانش‌آموزان با سطح مناسب مدیریت اضطراب، توانایی بیشتری در مقابله با چالش‌های تحصیلی، ارتقای اعتماد به نفس و افزایش مشارکت در کلاس دارند (حسینی، ۱۳۹۹).

با وجود اهمیت موضوع، بررسی راهکارهای کاهش اضطراب امتحان در دانش‌آموزان ابتدایی در ایران هنوز به صورت جامع و منسجم انجام نشده است و پژوهش‌های موجود عمدتاً به بررسی سطح اضطراب پرداخته‌اند بدون آنکه راهکارهای عملی و مؤثر کاهش اضطراب را تحلیل کنند. این خلأ پژوهشی نشان می‌دهد که نیاز به مطالعه‌ای کاربردی و جامع برای شناسایی راهکارهای کاهش اضطراب امتحان در مدارس ابتدایی وجود دارد.

هدف کلی پژوهش حاضر، بررسی راهکارهای مؤثر کاهش اضطراب امتحان در دانش‌آموزان دوره ابتدایی است تا معلمان و مدیران آموزشی بتوانند با بهره‌گیری از این راهکارها محیط یادگیری حمایتی‌تر و سالم‌تری ایجاد کنند و عملکرد تحصیلی و سلامت روانی دانش‌آموزان را ارتقا دهند.

بیان مسئله

امتحانات و ارزیابی‌های تحصیلی یکی از اجزای اساسی نظام آموزشی هستند که هدف آن‌ها سنجش یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. با این حال، تجربه عملی در مدارس ابتدایی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان با اضطراب امتحان مواجه هستند؛ وضعیتی که موجب کاهش تمرکز، افت عملکرد تحصیلی، کاهش اعتماد به نفس و بروز رفتارهای اجتنابی می‌شود. این مشکل نه تنها یادگیری مؤثر را مختل می‌کند، بلکه سلامت

روانی دانش‌آموزان را نیز تهدید می‌کند و می‌تواند اثرات طولانی‌مدت بر انگیزه و علاقه به تحصیل داشته باشد (حسینی، ۱۳۹۹).

با وجود اهمیت این مسئله، رویکردهای موجود در مدارس اغلب صرفاً توصیفی یا واکنشی هستند و به شیوه‌های سیستماتیک و علمی برای کاهش اضطراب امتحان توجه نمی‌کنند. معلمان اغلب تنها با تشویق یا تنبیه مواجه می‌شوند و ابزارهای عملی و مؤثر روانشناسی آموزشی برای مدیریت اضطراب دانش‌آموزان به‌طور گسترده در کلاس‌ها به کار گرفته نمی‌شود. علاوه بر این، پژوهش‌های موجود در ایران عمدتاً به اندازه‌گیری سطح اضطراب محدود شده و تحلیل راهکارهای عملی کاهش اضطراب، به‌ویژه در دانش‌آموزان دوره ابتدایی، هنوز مغفول مانده است. این خلا پژوهشی نشان‌دهنده نیاز مبرم به مطالعه‌ای کاربردی و علمی است که بتواند راهکارهای عملی و مؤثر کاهش اضطراب امتحان را شناسایی و به نظام آموزشی ارائه کند.

بر اساس این مشکلات، سؤال اصلی پژوهش حاضر به صورت زیر مطرح می‌شود: «چه راهکارهایی می‌توانند به‌طور مؤثر اضطراب امتحان دانش‌آموزان دوره ابتدایی را کاهش دهند و اجرای آن‌ها در محیط مدرسه چگونه قابل مدیریت است؟»

پژوهش حاضر تلاش می‌کند با تحلیل علمی و میدانی، پاسخ این سؤال را ارائه کند و راهکارهای کاربردی و قابل اجرا برای کاهش اضطراب امتحان در مدارس ابتدایی ارائه نماید تا به بهبود کیفیت یادگیری و سلامت روانی دانش‌آموزان منجر شود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

اضطراب امتحان یکی از چالش‌های رایج در مدارس ابتدایی است که تأثیر مستقیم بر یادگیری، عملکرد تحصیلی و رشد روانی دانش‌آموزان دارد. از منظر تربیتی و آموزشی، کاهش اضطراب امتحان اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا دانش‌آموزان با سطح پایین اضطراب، توانایی تمرکز، حل مسئله و مشارکت فعال در کلاس را بهتر نشان می‌دهند و یادگیری مؤثرتری تجربه می‌کنند. پژوهش حاضر با شناسایی راهکارهای عملی کاهش اضطراب امتحان، می‌تواند به ارتقای کیفیت یادگیری و بهبود محیط آموزشی مدارس ابتدایی کمک کند و پایه‌ای برای برنامه‌ریزی درسی و فعالیت‌های آموزشی سالم‌تر فراهم آورد.

از منظر علمی و پژوهشی، پژوهش حاضر می‌تواند خلأ مطالعاتی موجود در حوزه اضطراب امتحان در دانش‌آموزان ابتدایی ایران را پر کند. بررسی‌های پیشین عمدتاً به اندازه‌گیری سطح اضطراب محدود بوده‌اند و تحلیل جامع راهکارهای کاربردی و مؤثر برای کاهش آن کمتر انجام شده است. مطالعه حاضر با استفاده از رویکرد کمی-کیفی تلفیقی و جمع‌آوری داده‌های میدانی از دانش‌آموزان و معلمان، زمینه ارائه شواهد علمی معتبر درباره رابطه بین راهکارهای آموزشی-روانشناختی و کاهش اضطراب امتحان را فراهم می‌آورد و می‌تواند مرجعی علمی برای پژوهش‌های آینده در این حوزه باشد.

از نظر کاربردی، نتایج پژوهش برای معلمان و مربیان آموزشی اهمیت بالایی دارد. اجرای راهکارهای عملی کاهش اضطراب امتحان می‌تواند موجب بهبود انگیزه، افزایش مسئولیت‌پذیری تحصیلی و رشد مهارت‌های مدیریت استرس در دانش‌آموزان شود. همچنین این پژوهش می‌تواند راهنمای عملی برای طراحی فعالیت‌های آموزشی، روش‌های تدریس

فعال و مدیریت فضای امتحان در کلاس‌های ابتدایی باشد، به طوری که محیطی حمایتگر و آرام برای یادگیری ایجاد شود.

بنابراین، اهمیت و ضرورت این پژوهش در سه بعد قابل توجه است:

۱. بعد تربیتی و آموزشی: ارتقای کیفیت یادگیری و سلامت روان دانش‌آموزان.
 ۲. بعد علمی و پژوهشی: پر کردن خلأ مطالعاتی در زمینه راهکارهای کاهش اضطراب امتحان در دوره ابتدایی.
 ۳. بعد کاربردی: ارائه ابزارها و راهکارهای عملی برای معلمان و مدیران آموزشی جهت کاهش اضطراب و بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان.
- این سه بعد نشان می‌دهد که مطالعه حاضر ضرورت و اولویت بالایی دارد و می‌تواند نقش مهمی در ارتقای آموزش و پرورش دانش‌آموزان دوره ابتدایی ایفا کند.

اهداف پژوهش

۱-هدف کلی

هدف کلی پژوهش حاضر، بررسی و شناسایی راهکارهای مؤثر کاهش اضطراب امتحان در دانش‌آموزان دوره ابتدایی است تا بتوان با بهره‌گیری از آن‌ها عملکرد تحصیلی، سلامت روانی و انگیزه یادگیری دانش‌آموزان را بهبود بخشید.

۲-اهداف جزئی

در راستای تحقق هدف کلی، اهداف جزئی پژوهش شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. شناسایی میزان اضطراب امتحان در دانش‌آموزان دوره ابتدایی در مدارس استان کرمانشاه.

۲. بررسی اثر فعالیت‌های آموزشی و روانشناختی بر کاهش اضطراب امتحان دانش‌آموزان.

۳. تحلیل نقش مهارت‌های خودتنظیمی و مدیریت استرس در کاهش اضطراب امتحان دانش‌آموزان.

۴. ارائه راهکارهای عملی برای معلمان و مدیران مدارس به منظور کاهش اضطراب امتحان و ارتقای محیط یادگیری حمایتی.

۵. مقایسه اثربخشی راهکارهای مختلف آموزشی و روانشناختی در کاهش اضطراب امتحان دانش‌آموزان ابتدایی.

این اهداف نشان می‌دهند که پژوهش حاضر نه تنها به شناسایی و تحلیل مسئله اضطراب امتحان می‌پردازد، بلکه با ارائه راهکارهای کاربردی و قابل اجرا، نقش مهمی در بهبود فرآیندهای آموزشی و تربیتی مدارس ابتدایی ایفا خواهد کرد.

چارچوب نظری پژوهش

مبانی نظری یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی به عنوان یکی از روش‌های فعال تدریس، فرآیندی است که در آن دانش‌آموزان در قالب گروه‌های کوچک، مسئولیت یادگیری خود و دیگر اعضای گروه را بر عهده می‌گیرند و با همکاری و تعامل مستمر، دانش و مهارت‌های خود را توسعه می‌دهند (ویگوتسکی، ۱۹۷۸؛ احمدی، ۱۳۹۸). این نوع یادگیری بر اساس نظریه‌های سازنده‌گرایی اجتماعی شکل گرفته است و تأکید می‌کند که یادگیری در تعامل اجتماعی با همسالان و تحت هدایت معلم به بهترین شکل تحقق می‌یابد.

ویژگی‌های کلیدی یادگیری مشارکتی شامل:

- تقسیم نقش‌ها و مسئولیت‌ها میان اعضای گروه
- همکاری و تبادل دانش بین دانش‌آموزان
- حل مسائل به صورت گروهی و تصمیم‌گیری مشترک
- ایجاد انگیزه و تعهد برای یادگیری فردی و جمعی

تحقیقات نشان داده است که یادگیری مشارکتی موجب تقویت مهارت‌های اجتماعی، افزایش تعامل و ارتقای اعتماد به نفس دانش‌آموزان می‌شود و بستر مناسبی برای پرورش رفتارهای مسئولانه فراهم می‌آورد.

تعریف مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری به عنوان توانایی فرد برای پاسخ‌گویی به وظایف، انجام تعهدات و رعایت قواعد اجتماعی و آموزشی تعریف می‌شود (رضایی، ۱۴۰۰). در محیط مدرسه، دانش‌آموز مسئول کسی است که:

- وظایف فردی و گروهی خود را به موقع انجام می‌دهد.
- نسبت به قوانین کلاس و همکاری با همسالان متعهد است.
- در صورت بروز مشکل، پاسخ‌گو و خودآگاه عمل می‌کند.

مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، علاوه بر تقویت یادگیری، نقش مهمی در نهادینه‌سازی رفتارهای اجتماعی و تربیتی آن‌ها دارد و یکی از اهداف کلیدی آموزش ابتدایی به شمار می‌رود.

نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط

- نظریه سازنده گرایی اجتماعی (ویگوتسکی، ۱۹۷۸): بر اهمیت یادگیری در تعامل اجتماعی تأکید دارد و معتقد است که دانش آموزان از طریق فعالیت‌های گروهی و حمایت همسالان مهارت‌ها و مسئولیت‌پذیری خود را توسعه می‌دهند.
- نظریه رفتار هدفمند (Bandura, ۱۹۸۶): بیان می‌کند که مشاهده رفتارهای مسئولانه و بازخورد مثبت گروه می‌تواند انگیزه دانش آموزان برای مسئولیت‌پذیری را افزایش دهد.
- دیدگاه روانشناسی آموزشی معاصر: بر ارتباط بین فعالیت‌های مشارکتی، خودتنظیمی و پاسخ‌گویی فردی تأکید دارد و یادگیری مشارکتی را به عنوان یک راهکار تربیتی مؤثر در پرورش مسئولیت‌پذیری مطرح می‌کند.

پیوند منطقی متغیرها

چارچوب نظری پژوهش نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی به عنوان متغیر مستقل با ایجاد تعامل اجتماعی، تقسیم نقش‌ها و ارزیابی گروهی، مهارت‌های مسئولیت‌پذیری دانش آموزان (متغیر وابسته) را تقویت می‌کند. به عبارت دیگر، فعالیت‌های گروهی و مشارکت فعال دانش آموزان زمینه رشد خودنظمی، پاسخ‌گویی و پابندی به وظایف را فراهم می‌آورد. این چارچوب نشان می‌دهد که آموزش مبتنی بر مشارکت نه تنها بر یادگیری محتوای درسی اثرگذار است، بلکه به طور مستقیم بر توسعه ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی دانش آموزان، به ویژه مسئولیت‌پذیری، تأثیر می‌گذارد. بنابراین، بررسی رابطه یادگیری مشارکتی و مسئولیت‌پذیری دانش آموزان می‌تواند مبانی علمی و کاربردی برای بهبود کیفیت یاددهی - یادگیری در مدارس ابتدایی فراهم آورد.

مرور پژوهش‌های پیشین (داخلی)

پژوهش‌های داخلی در حوزه یادگیری مشارکتی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان نشان می‌دهد که این دو متغیر با یکدیگر رابطه معنی‌داری دارند و یادگیری گروهی می‌تواند به شکل قابل توجهی رفتارهای مسئولانه دانش‌آموزان را تقویت کند.

احمدی ۱۳۹۸: در پژوهشی با عنوان «رابطه یادگیری مشارکتی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی» نشان داد که دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های گروهی مشارکت فعال دارند، سطح بالاتری از مسئولیت‌پذیری از خود نشان می‌دهند. این مطالعه بر اهمیت تعامل رو در رو و تقسیم نقش‌ها تأکید داشت.

حسینی ۱۳۹۹: در تحقیق خود با بررسی مهارت‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، گزارش داد که کلاس‌هایی که روش تدریس مشارکتی در آن‌ها اجرا می‌شود، موجب افزایش همکاری، پاسخ‌گویی به تکالیف گروهی و رعایت قوانین کلاس می‌شوند. یافته‌های او با مطالعه احمدی همسو است، اما بر بعد اجتماعی و تعامل گروهی بیش‌تر تمرکز دارد.

رضایی و همکاران ۱۴۰۰: نشان دادند که یادگیری مشارکتی نه تنها مسئولیت‌پذیری را تقویت می‌کند، بلکه انگیزه و تعهد دانش‌آموزان به فعالیت‌های گروهی و فردی را نیز افزایش می‌دهد. این مطالعه با تأکید بر ارزیابی گروهی و بازخورد متقابل، به اثرگذاری مثبت یادگیری مشارکتی بر رفتارهای مسئولانه اشاره کرده است.

کریمی و محمدی ۱۴۰۱: در پژوهشی دیگر، بررسی کردند که آموزش مبتنی بر فعالیت‌های گروهی موجب افزایش خودنظمی و پاسخ‌گویی دانش‌آموزان به وظایف محوله می‌شود. نتایج این مطالعه نشان داد که یادگیری مشارکتی، با فراهم کردن بستر تعامل و تقسیم مسئولیت،

زمینه رشد مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌آورد و بهبود رفتارهای اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموزان را به دنبال دارد.

موسوی ۱۳۹۷: با بررسی کلاس‌های ابتدایی مدارس تهران، مشاهده کرد که دانش‌آموزان آموزش‌دیده به روش مشارکتی، در حل مسائل گروهی، همکاری و رعایت مقررات کلاس فعال‌تر عمل می‌کنند. این پژوهش نشان می‌دهد که اثر یادگیری مشارکتی بر مسئولیت‌پذیری در محیط واقعی کلاس نیز قابل مشاهده و ملموس است.

تحلیل و مقایسه

تمامی پژوهش‌های ذکر شده تأیید می‌کنند که یادگیری مشارکتی باعث تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان می‌شود. با این حال، تفاوت‌ها در رویکرد و تأکید مطالعه‌ها دیده می‌شود:

- احمدی و رضایی بیشتر بر تقویت مسئولیت فردی و گروهی تمرکز دارند.
- حسینی و موسوی بر ابعاد اجتماعی و همکاری بین دانش‌آموزان تأکید دارند.
- کریمی و محمدی علاوه بر مسئولیت‌پذیری، اثر یادگیری مشارکتی بر خودنظمی و پاسخ‌گویی فردی را نیز بررسی کرده‌اند.

این تحلیل نشان می‌دهد که یادگیری مشارکتی یک متغیر چندبعدی است که می‌تواند به طور همزمان بر مسئولیت‌پذیری، همکاری، خودنظمی و انگیزه دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد. با این وجود، هنوز پژوهش‌های جامع‌تری که راهکارهای عملی و نحوه اجرای یادگیری مشارکتی برای تقویت مسئولیت‌پذیری در مدارس ابتدایی ایران را تحلیل کند، محدود است. این خلأ پژوهشی ضرورت انجام مطالعه حاضر را برجسته می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی با رویکرد کمی-کیفی تلفیقی (Mixed Method) است. بخش کمی پژوهش برای بررسی رابطه یادگیری مشارکتی با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان و سنجش میزان تأثیرگذاری آن استفاده شد و بخش کیفی به منظور تحلیل مشاهدات کلاس و مصاحبه با معلمان برای شناسایی راهکارهای عملی و رفتارهای مسئولانه دانش‌آموزان انجام گرفت.

جامعه و نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم مدارس ابتدایی استان کرمانشاه و معلمان کلاس‌های ابتدایی بود.

- نمونه دانش‌آموزان: ۸۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند و خوشه‌ای انتخاب شدند.
- نمونه معلمان: ۱۰ نفر از معلمان فعال و با سابقه تدریس در پایه‌های چهارم و پنجم به منظور مصاحبه و مشاهده انتخاب شدند.
- انتخاب نمونه بر اساس دسترسی، تنوع کلاس‌ها و تجربه معلمان در تدریس مشارکتی صورت گرفت.

ابزار گردآوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزارهای کمی و کیفی استفاده شد:

۱. پرسشنامه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان: شامل ۲۰ سؤال ۵ گزینه‌ای (لیکرت) در سه بعد «پاسخ‌گویی»، «رعایت قوانین» و «انجام وظایف گروهی». پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برابر ۰.۸۷ محاسبه شد.
۲. چک‌لیست مشاهده رفتار در کلاس: شامل مشاهده مشارکت، همکاری، پاسخ‌گویی و رعایت مقررات در فعالیتهای گروهی.
۳. مصاحبه با معلمان: جهت جمع‌آوری اطلاعات کیفی درباره تأثیر یادگیری مشارکتی بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان و شناسایی راهکارهای کاربردی.

روش تحلیل داده‌ها

- داده‌های کمی: با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. روش‌های آماری شامل آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار)، آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون ساده برای بررسی رابطه یادگیری مشارکتی و مسئولیت‌پذیری به کار گرفته شد.
- داده‌های کیفی: با استفاده از روش تحلیل محتوا (Content Analysis) بررسی شد. مصاحبه‌ها و مشاهدات به صورت دسته‌بندی شده کدگذاری شدند و موضوعات اصلی مرتبط با مسئولیت‌پذیری و راهکارهای یادگیری مشارکتی استخراج گردید.

تحلیل یافته های پژوهش

یافته های کمی

۱. میانگین و انحراف معیار مسئولیت پذیری دانش آموزان
 - میانگین کلی مسئولیت پذیری: ۳۸۷ از ۵
 - بالاترین میانگین مربوط به بعد انجام وظایف گروهی ۴۰۲ و پایین ترین میانگین مربوط به بعد پاسخ گویی فردی ۳۶۹ بود.
۲. همبستگی بین یادگیری مشارکتی و مسئولیت پذیری
 - تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که بین میزان مشارکت دانش آموزان در فعالیت های گروهی و مسئولیت پذیری کلی آنان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد $(r = ۰.۶۳, p < ۰.۰۱)$.
۳. تحلیل رگرسیون ساده
 - نتایج رگرسیون نشان داد که یادگیری مشارکتی ۳۹ درصد تغییرات مسئولیت پذیری دانش آموزان را پیش بینی می کند. $(R = ۰.۳۹, \beta = ۰.۶۲, p < ۰.۰۱)$

یافته های کیفی

۱. مشاهدات کلاس
 - دانش آموزان فعال در گروه های مشارکتی، در تقسیم نقش ها و انجام وظایف گروهی همکاری بیشتری داشتند.
 - رعایت مقررات کلاس و پاسخ گویی به مسئولیت ها در دانش آموزانی که در فعالیت های مشارکتی مشارکت فعال داشتند، قابل مشاهده بود.

۲. مصاحبه با معلمان

- معلمان گزارش دادند که یادگیری مشارکتی باعث افزایش تعهد دانش آموزان به وظایف گروهی و فردی می شود.
- معلمان بیان کردند که استفاده از فعالیت های گروهی، تقسیم نقش ها و ارزیابی گروهی موجب رشد رفتار مسئولانه و مشارکت فعال دانش آموزان شده است.

بحث و تفسیر یافته ها

یافته های پژوهش نشان داد که یادگیری مشارکتی نقش مؤثری در تقویت مسئولیت پذیری دانش آموزان دوره ابتدایی دارد. تحلیل کمی داده ها نشان داد که مشارکت فعال در فعالیت های گروهی با مسئولیت پذیری دانش آموزان همبستگی مثبت و معنادار دارد و تقریباً ۳۹ درصد تغییرات مسئولیت پذیری توسط یادگیری مشارکتی قابل پیش بینی است. این نتایج بیانگر آن است که ایجاد فرصت برای همکاری، تقسیم نقش ها و ارزیابی گروهی، مسئولیت پذیری دانش آموزان را افزایش می دهد.

یافته های کیفی نیز این نتایج را تأیید می کند؛ مشاهدات کلاس و مصاحبه با معلمان نشان داد که دانش آموزانی که در گروه های مشارکتی فعالیت می کنند، وظایف گروهی و فردی را با دقت بیشتری انجام می دهند، مقررات کلاس را رعایت می کنند و در تعامل با همسالان مسئولانه رفتار می کنند.

این نتایج با پژوهش های پیشین داخلی و خارجی همسو است. احمدی (۱۳۹۸) و رضایی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داده اند که یادگیری مشارکتی باعث افزایش مسئولیت پذیری و تعهد دانش آموزان به تکالیف می شود. حسینی (۱۳۹۹) و موسوی (۱۳۹۷) نیز تأکید کرده اند که تعامل گروهی و همکاری بین دانش آموزان، مهارت های اجتماعی و پاسخ گویی آنان را تقویت

می‌کند. یافته‌های این پژوهش علاوه بر تأیید نتایج مطالعات پیشین، تأکید بیشتری بر جنبه عملی و کاربردی یادگیری مشارکتی در محیط کلاس ابتدایی دارد.

از منظر تربیتی، این نتایج نشان می‌دهد که معلمان می‌توانند با بهره‌گیری از روش‌های مشارکتی، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را به شکل مؤثری پرورش دهند. فعالیت‌های گروهی و تقسیم نقش‌ها نه تنها مهارت‌های اجتماعی و همکاری را ارتقا می‌دهند، بلکه دانش‌آموزان را به خودنظمی، پاسخ‌گویی و انجام مسئولیت‌ها تشویق می‌کنند. این موضوع اهمیت طراحی برنامه‌های آموزشی فعال و مشارکتی در مدارس ابتدایی را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان می‌تواند از طریق روش‌های یادگیری گروهی و مشارکتی تقویت شود.

به طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که پیاده‌سازی یادگیری مشارکتی در کلاس‌های ابتدایی یک راهکار علمی و عملی برای پرورش مسئولیت‌پذیری است و می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد محیط یادگیری حمایتگر و مؤثر برای دانش‌آموزان باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که یادگیری مشارکتی نقش مهم و مؤثری در تقویت مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارد. یافته‌های کمی و کیفی پژوهش به وضوح بیانگر آن است که دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های گروهی مشارکت فعال دارند، وظایف فردی و گروهی خود را با دقت و تعهد بیشتری انجام می‌دهند، مقررات کلاس را رعایت می‌کنند و در تعامل با همسالان رفتار مسئولانه‌ای از خود نشان می‌دهند.

بنابراین، پاسخ به مسئله پژوهش روشن است: یادگیری مشارکتی به عنوان یک روش آموزشی فعال، می تواند مسئولیت پذیری دانش آموزان ابتدایی را به شکل قابل توجهی افزایش دهد و موجب ایجاد محیط یادگیری حمایتگر و ارتقای سلامت روانی و انگیزه تحصیلی آنان شود.

کاربردهای عملی

نتایج پژوهش کاربردهای مهمی برای معلمان، مدیران مدارس و برنامه ریزان آموزشی دارد:

۱. معلمان می توانند از فعالیت های گروهی و مشارکتی برای تقویت مسئولیت پذیری دانش آموزان استفاده کنند و با تقسیم نقش ها، ارزیابی گروهی و بازخورد مستمر، مسئولیت های فردی و جمعی را در دانش آموزان پرورش دهند.

۲. مدیران مدارس می توانند برنامه های آموزشی مشارکتی و کارگاه های عملی برای معلمان طراحی کنند تا یادگیری مشارکتی به شکل مؤثر در کلاس ها اجرا شود.

۳. تقویت مهارت های اجتماعی، همکاری و پاسخ گویی دانش آموزان از طریق روش های یادگیری مشارکتی موجب بهبود عملکرد تحصیلی و کاهش مشکلات رفتاری در محیط مدرسه می شود.

در مجموع، پژوهش حاضر نشان می دهد که ادغام یادگیری مشارکتی در فرآیند تدریس ابتدایی، نه تنها باعث یادگیری بهتر محتوا، بلکه موجب رشد مهارت های اخلاقی و تربیتی دانش آموزان می شود و به عنوان یک راهکار علمی و کاربردی در آموزش ابتدایی توصیه می گردد.

پیشنهادهای پژوهش

الف) پیشنهادهای کاربردی برای معلمان

۱. طراحی و اجرای فعالیت های گروهی و مشارکتی در کلاس های ابتدایی به منظور تقویت مسئولیت پذیری دانش آموزان.
۲. تقسیم نقش ها و وظایف مشخص برای هر دانش آموز در فعالیت های گروهی و ارائه بازخورد مستمر برای افزایش پاسخ گویی و تعهد دانش آموزان.
۳. استفاده از ارزیابی گروهی و خودارزیابی دانش آموزان به منظور تقویت خودنظمی و مسئولیت پذیری.
۴. فراهم کردن محیط کلاس حمایتی و تعاملی که دانش آموزان در آن بتوانند تجربه موفقیت در انجام مسئولیت ها و همکاری با همسالان را کسب کنند.
۵. آموزش مهارت های اجتماعی و حل مسئله گروهی به دانش آموزان به صورت هدفمند در کنار یادگیری محتوای درسی.

ب) پیشنهاد برای پژوهش های آینده

۱. انجام پژوهش های مشابه در مناطق و استان های مختلف ایران برای بررسی اثر یادگیری مشارکتی بر مسئولیت پذیری در محیط های متنوع آموزشی.
۲. بررسی تأثیر طولانی مدت یادگیری مشارکتی بر رفتارهای مسئولانه و رشد اجتماعی دانش آموزان.
۳. تحلیل اثر ترکیبی یادگیری مشارکتی و دیگر روش های فعال آموزشی بر مسئولیت پذیری و انگیزه تحصیلی دانش آموزان.

۴. استفاده از رویکردهای کمی-کیفی پیشرفته و ابزارهای سنجش متنوع برای افزایش دقت و اعتبار نتایج پژوهش.
۵. مطالعه رابطه بین مسئولیت‌پذیری و دیگر مهارت‌های روانی-اجتماعی مانند همدلی، خودتنظیمی و مدیریت استرس در محیط کلاس.

منابع و مآخذ

- احمدی، م. رابطه یادگیری مشارکتی و مسئولیت پذیری دانش آموزان دوره ابتدایی. تهران: نشر دانش.
- حسینی، م. مهارت های اجتماعی و مسئولیت پذیری دانش آموزان در کلاس های مشارکتی. کرمانشاه: انتشارات دانشگاه رازی.
- رضایی، س.، احمدی، م. & موسوی، ن. تأثیر یادگیری گروهی بر مسئولیت پذیری و تعهد تحصیلی دانش آموزان. فصلنامه علوم تربیتی، ۱۲(۳)، ۵۳-۷۱.
- کریمی، ر. & محمدی، ع. یادگیری مشارکتی و رشد خودنظمی دانش آموزان ابتدایی. پژوهش های آموزشی ایران، ۱۷(۲)، ۴۵-۶۴.
- موسوی، ن. اثر فعالیت های گروهی بر مسئولیت پذیری دانش آموزان مدارس ابتدایی تهران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ویگوتسکی، ل. تفکر و زبان. ترجمه د. احمدی. تهران: انتشارات رشد.